

بهداشت زناشویی و مسائل جنسی از دیدگاه قرآن و طب

مجید دانشگر

چکیده

از آنجایی که در دین مبین اسلام تأکیدات زیادی بر آیین همسررداری و زندگی زناشویی شده است، اما با این حال هنوز تعداد بسیاری از انسان‌ها اعم از مسلمان و غیرمسلمان با آیین همسررداری آشنایی ندارند. یکی از مهم‌ترین بخش‌های زندگی زناشویی مربوط به روابط جنسی زوجین می‌باشد، رابطه‌ای که آشنایی با آن می‌تواند به حل بسیاری از مشکلات جسمی و روحی ختم گردد و بی‌توجهی به آن منجر به بروز بسیاری از بیماری‌های جسمی و روحی شود. از این رو پژوهشگر سعی دارد تا برای اثبات علمی بودن اعجاز قرآن به بررسی نقش بهداشت در روابط جنسی زندگی زناشویی از دیدگاه قرآن و طب (پزشکی) پردازد. همچنین در پایان، این مقاله بنا بر مسائل ذکر شده در بخش روابط جنسی زوجین، با دیدگاهی کاملاً علمی به بررسی دلایل نهی اکید قرآن از فحشاء، که شامل زنا و لواط می‌باشد می‌پردازد.

واژگان کلیدی

بهداشت فردی؛ بهداشت زناشویی؛ روابط جنسی؛ قرآن، طب.

بهداشت زناشویی و مسائل جنسی از دیدگاه قرآن و طب

در این بخش پس از اشاره کوتاهی به موضوع بهداشت فردی در قرآن، به بررسی مبحث بهداشت زناشویی و مسائل جنسی خواهیم پرداخت؛ موضوعی که یکی از امور مشکل‌ساز و پرمخاطره زندگی انسان است و بی‌توجهی به آن زیان‌باری‌های بسیاری را به دنبال دارد در حالی که رهنمودهای الهی می‌تواند بروز این عوارض را به سادگی برایش پیشگیری کند. این مسائل در دو زمینه مختلف به نحو زیر مطرح می‌شود:

اول - منع آمیزش با زنان حائض و ذکر برخی از دلایل علمی بهداشت آن.

دوم - تحریم و نهی اکید قرآن از فحشاء یعنی زنا و لواط.

با یک بررسی همه جانبه در آیات قرآنی، فراوانی موارد دو لفظ «طیب» (۴۹ مورد) و طهر (۳۱ مورد) با اشتقاق‌های مختلف آنها که هر مورد آن به نحوی در زندگی انسان نمود می‌یابد خود می‌تواند به روشنی اهمیت پاکی و پاکیزگی را به عنوان یک عامل موافق با فطرت سالم گویا شود و در تأمین نیازهای دین و دنیای انسان و حفظ سلامت کارساز گردد به نحوی که می‌بینیم در دیدگاه قرآن اهمیت پاکی چنان است که به غیر از پاکیزگان، لمس و دست زدن به کلام الهی برای کسی جایز نبوده و ناپاکان از این کار نهی شده‌اند: ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ (واقع، ۷۹) و در زمینه‌های مختلف زندگی نیز یکی از ویژگی‌های اصلی گزینش غذا لباس و مسکن که مورد توجه قرآن قرار گرفته پاکی و نظافت است: همان‌گونه که خداوند از همان آغاز بعثت، رسول اکرمش را پس از فراخوانی به تکبیر مقاوم ربوبی با بیان: ﴿وَتِيَابَكَ فَطَهِّرْ وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ﴾ (مدثر، ۴ و ۵) به پاکیزه بودن لباسش امر و از ناپاکی‌های ظاهری و باطنی او را نهی فرموده است تا وجود مقدسش از هر نظر برای مردم اسوه احسنه باشد. در همین راستا نیز می‌بینیم که

قرآن مقدمه ادای فریضه نماز یعنی قرار گرفتن در برابر خداوند و سخن گفتن و نیایش او را منوط به داشتن وضو، غسل یا تیمم کرده است که این خود به روشنی می‌تواند نقشی مؤثر در امر تأمین نظافت و بهداشت فردی انسان داشته و علاوه بر جنبه عبادی و معنوی در حفظ سلامت او نیز کارساز باشد. همان‌گونه که در انتهای آیه ﴿مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (مائده، ۶)، مردم را متوجه نتیجه و هدف آن کرده و فرموده است: «خداوند نمی‌خواهد برای شما دشواری قرار دهد بلکه می‌خواهد شما را پاکیزه بدارد و نعمتش را بر شما تمام کند باشد که سپاس بگذارید.» و در این گذر اگر امر استحباب مسواک زدن قبل از وضو و استنشاق آب را نیز به عنوان مقدمه این کار واجب در نظر بگیریم صرف نظر از بعد عبادی می‌بینیم اجرای این برنامه به دفعات پنج یا حداقل سه بار در شبانه روز چگونه می‌تواند به میزان گسترده و فراگیری بهداشت جسمی و دهان را تأمین نماید و ضمن این فریضه عبادی نظام‌دار، مردم را از نعمت سلامت جسمانی نیز برخوردار کند و این در حالی است که در اسلام ضرورت غسل یا شستن تمام بدن چه به صورت واجب یا مستحب برای زن و مرد بسیار مورد تأکید بوده و به عنوان یک عبادت در آیات مختلف توصیه شده است (بقره، ۲۲۲ و مائده ۶) و امروز علاوه بر جنبه‌های عبادی فریضه غسل، از نظر بهداشتی و فوائد بسیار آن از جمله تحریک رشته‌های اعصاب خودکار و ارادی، تأمین سلامت پوست، بهبود وضعیت جریان خون، باز شدن منافذ عرق، بهبود تنفس پوستی، تعریق و برقراری نظام هماهنگ سیستم‌های مختلف بدن بر هیچ صاحب نظری پوشیده نیست.

۱. بهداشت زناشویی و مسائل جنسی در قرآن

اما در مورد بهداشت مسائل جنسی می‌بینیم که دستورات و رهنمودهای قرآنی بسیار غنی، اعجاز‌آمیز، سالم‌ساز و پیشگیرنده از عوارض زیان بار تجاوزگران به این مسائل است و گرچه آیات در این زمینه بسیار می‌باشد ولی در این جا به علت رعایت هماهنگی با دیگر مسائل فقط به برخی از آنها اشاره می‌شود.

اول کناره‌گیری و منع مباشرت با زنان حائض:

دین اسلام برخورد با زنان مبتلا به عادت ماهانه را در حدی منطقی و معتدل برای مسلمانان مورد توجه قرار داده است. چون در سوره بقره می‌خوانیم که:

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ (بقره، ۲۲۲) و از تو درباره حیض می‌پرسند بگو آن مایه رنج است پس در مدت حیض از زنان کناره‌گیری و با آنان نزدیکی نکنید تا پاک شوند و چون پاکیزه شدند (و غسل کردند) آنگونه که خداوند به شما فرموده است با آنان بیامیزید که خداوند آمرزش‌خواهان و پاکیزگان را دوست دارد. لازم به ذکر است که چون برای این آیه در تفاسیر موجود، مسائل علمی و علل هورمونی این پدیده طبیعی به خوبی بیان نشده است. (اصفهانی، ۱۳۸۲) لذا در این جا قسمتی کوتاه از نکات اصلی آن ذکر می‌شود تا از دیدگاه طبی نیز به موضوع توجه نسبی شده باشد.

از نظر علمی اگر بخواهیم مروری بسیار سطحی نسبت به قاعدگی یا مسأله حیض داشته باشیم باید ابتدا نگاهی گذرا به مقدمات فیزیولوژی عصبی و هورمونی دستگاه تناسلی زنانه بیفکنیم. می‌دانیم هورمون‌ها موادی هستند که از غدد مترشح درون‌ریز به داخل جریان خون ترشح می‌شوند تا واکنش‌های مختلف و خاصی را در نواحی دور از محل ترشح خود ایجاد کنند. به همین نحو نرون‌ها و مجموعه

اعصاب نیز ساختارهای بسیار ظریف و پیچیده‌ای را دربر می‌گیرند که ضمن انتقال تحریکات و پیام‌های عصبی موادی را نیز به داخل سیستم عروقی ترشح می‌کنند تا مانند هورمون‌ها عملکردهای خاصی را موجب شوند لذا دو سیستم فوق ارتباط نزدیکی به رحم داشته و در زمینه‌های مختلف از جمله سیکل قاعدگی به طریق فیدبک^۱ یا بازخور هورمونی بر روی بافت عصبی نحوه واکنش‌های سیستم اعصاب مرکزی را تنظیم می‌نمایند. (بیکر، ۱۹۸۱) به‌طور کلی در فیزیولوژی قاعدگی از سه غده درون‌ریز به عنوان محورهای اصلی راه‌انداز این امر به ترتیب زیر می‌توان نام برد:

۱- هیپوتالاموس: این غده را باید از نظر تشریحی سیستم عصبی آغازگر امر قاعدگی دانست. این غده مجموعه ساختاری است که در قاعده مغز قرار داشته و ضمن ارتباط زیادی که با سایر نواحی مغز دارد با غده مهم دیگری به نام هیپوفیز به نحو دو سویه یا فیدبک در ارتباط است. هیپوتالاموس را که می‌توان محرک و منشاء تولید تمام هورمون‌های هیپوفیز دانست با تراوش هورمون آزادکننده گنادوتروپین‌ها (RGH) موجب ترشح آنها یعنی LH و FSH شده و به این ترتیب دخالت هیپوفیز را در امر فعال شدن تخمدان‌ها و دستگاه تولید مثل زنانه اعمال و تنظیم می‌نماید. (بیکر، ۱۹۸۱)

۲- هیپوفیز: دومین غده مؤثر در جریان‌دهی سیکل خون‌ریزی زنانه، غده هیپوفیز است. این غده دارای سه قسمت قدامی، میانی و خلفی است که قسمت خلفی آن استتاله‌ای از هیپوتالاموس بوده و از نظر ساختمانی بخش عصبی هیپوفیز را تشکیل می‌دهد و دارای دو نوع هورمون محرک برای ترشحات تخمدان‌ها است که یکی از آنها مربوط به ترشح فولیکولین از قسمت‌های فولیکولر می‌باشد و به

نام هورمون محرک فولیکول یا FSH موسوم است و دیگری مربوط به ترشح هورمون مربوط به جسم زرد بوده که آن را هورمون LH می‌نامند.

۳- تخمدان‌ها: سومین عضو شاخص و اساسی در ساختمان خلقتی زن که در حد محوری عهده‌دار اساس جنسیت اوست تخمدان‌ها می‌باشد. تخمدان‌ها به‌طور قرینه هر یک در طرفی از قاعده رحم درحفره تخمدانی قرار دارند که از بدو تولد در ساختمان بافت استرومایی متراکم و زیرکپسولی آن تعداد زیادی فولیکول اولیه به‌صورت مجموعه‌های سلولی وجود دارد. این سلول‌ها از اعقاب اووسیت‌ها یا سلول‌های جنسی اولیه بوده که در زمان ولادت نوزاد دختر، به تعداد ۱-۲ میلیون در تخمدان باقی می‌مانند و تا زمان بلوغ رقم آنها به ۳۰۰ هزار کاهش می‌یابد و در نهایت ۴۰۰ تا ۵۰۰ عدد آنها به مرحله تخمک‌گذاری می‌رسند این سلول‌ها در انسان پس از تولد، دیگر تقسیم میتوزی نداشته و وارد مرحله استراحت دیپلوتن تقسیم میتوزی می‌شوند و تا زمان تخمک‌گذاری در همین مرحله باقی می‌مانند و به‌صورت یک لایه متشکل از ۸ تا ۱۰ سلول گرانولوزا اووگونی یا تخمک را احاطه می‌کنند. به این ترتیب در آغاز هر سیکل تعداد ۱۲ تا ۱۵ فولیکول از فولیکول‌های اولیه زیرکپسولی که هر یک دارای تخمکی نارس هستند بزرگ شده و حفره‌ای در اطراف تخمک ایجاد می‌کنند. در انسان یکی از فولیکول‌ها در یکی از تخمدان‌ها حوالی روز ششم سیکل قاعدگی شروع به رشد سریع کرده و به فولیکول غالب تبدیل می‌شود و فولیکول‌های دیگر پژمرده و خاموش می‌گردند که شاید توانایی فولیکول غالب مربوط به ترشح استروژن درون خودش به عنوان عاملی برای پیروزی او بر دیگر فولیکول‌ها بوده باشد.

فولیکول موفق، اتساع یافته پاره می‌شود و تخمک به درون حفره شکمی می‌افتد و این جریان را فرآیند تخمک‌گذاری می‌گویند. این تخم به‌وسیله زوائد شرابه‌ای

لوله رحمی برداشته شده پس از ۳ تا ۵ روز به داخل رحم منتقل می‌گردد که اگر باروری صورت نگیرد تخمک پلاسیده از طریق واژن خارج می‌شود. سیکل قاعدگی طبیعی را در انسان می‌توان براساس عضو درگیر عمل، به دو بخش سیکل تخمدانی و سیکل رحمی تقسیم کرد. سیکل تخمدانی را نیز می‌توان در دو مرحله فولیکولر و لوتئال بررسی نمود همان‌گونه که سیکل رحمی نیز شامل دو مرحله پرولیفراتیو یا رویشی و ترشچی یا ریزشی می‌شود، (جورکوفسکی، ۱۹۷۸ ص ۱۶۴-۱۵۶) که در اینجا به علت محدودیت‌های ویژه تنها به نام آنها اکتفا می‌شود. اما از نظر بهداشتی با مروری اجمالی به وضعیت دستگاه زنانه در جریان قاعدگی به روشنی می‌توان حکمت بهداشتی منع آمیزش با زنان حائض را دریافت (نوری، ۱۹۹۵ ص ۳۷۰-۳۶۲) (ربکا کلارک، ۲۰۰۷، ص ۹۳-۸۵) به این معنا که:

۱- در شرایط طبیعی و زمان غیرقاعدگی می‌بینیم محیط داخلی مهبل به وسیله ترشحات مخاطی نرم و تا حد زیادی آسیب‌ناپذیر است و به علت بالا بودن مقدار استروژن و وجود اسید لاکتیک این محیط وضعیت اسیدی داشته و در نتیجه رشد و تکثیر میکروبی را مشکل می‌کند.

۲- در مرحله قاعدگی بر اثر کاهش استروژن و پروژسترون و به علت ریزش بافت مخاطی رحم و آسیب‌پذیر شدن آن امکان رشد و تکثیر میکروب در این قسمت فراهم بوده و برای ابتلاء به عفونت، محیط مناسبی می‌باشد لذا نزدیکی در این دوره می‌تواند زمینه‌ساز آلودگی و ابتلاء به عفونت شود.

۳- در زمان قاعدگی وضعیت التهابی درون مهبل و کاهش هورمون‌های جنسی موجب انقباض عضلات این ناحیه شده و حالت شلی این عضلات که سبب سهولت و بی‌درد بودن عمل مقاربت در وضعیت عادی می‌شود کاهش می‌یابد و در نتیجه، «نزدیکی»، در این مرحله برای زن دردناک و ناخوشایند خواهد بود.

۴- کاهش هورمون‌های جنسی موجب کاهش ترشحات مهبلی شده، PH محیط داخلی آن را که در شرایط عادی حالت اسیدی دارد قلیایی می‌کند و در نتیجه اگر در این وضعیت مقاربتی صورت گیرد امکان عبور و رشد میکروب از واژن افزایش می‌یابد.

۵- چون استروژن محک مهمی برای میل جنسی زن است و در مرحله قاعدگی میزان آن در خون کاهش می‌یابد لذا تمایل زن نیز از نظر روانی و فیزیولوژی به مقاربت خیلی کم و حتی با تنفر همراه می‌شود و آن را برای خود امری نامطلوب می‌داند لذا می‌بینیم که خداوند نیز مردان را مورد خطاب قرار داده و آنها را از نزدیکی با زنان منع کرده است که در غیر این صورت به علت، ناهماهنگی و بی‌میلی زن گاهی ممکن است پی‌آمدهای عاطفی زیان‌باری را برای دو طرف ایجاد کند.^۳

۶- چون در مرحله قاعدگی دستگاه تناسلی زن دچار احتقان عروقی است لذا مقاربت می‌تواند میزان خون‌ریزی ماهانه را نیز افزایش دهد.

۷- در موقع قاعدگی محل مقاربت به علت خون‌ریزی کثیف و بدبو می‌باشد لذا تماس جنسی از نظر روانی نیز برای هر دو ناخوش آیند خواهد شد.

۸- علاوه بر این مشکلات فیزیولوژیکی، تقویت نفس و صبوری مرد نسبت به اطفاء شهوات خود نیز یکی دیگر از حکمت‌های این امر می‌باشد.

با این همه مسلماً می‌توان گفت که مسائل و عوارض مذکور را باید بخشی از اسرار این دستور دانست و نه علت غائی و تمامی آن. چون ممکن است در این مورد مصالح یا مفاسد دیگری نیز وجود داشته باشد لذا در این مرحله می‌بینیم که عبادت‌های تعطیلی‌ناپذیر مثل نماز و روزه برای زنان حائض منع شده است و حتی اگر آنها برای هر نماز بدن خود را با غسل تطهیر کنند نماز آنها باطل خواهد بود.

(امام خمینی) بنابراین می‌بینیم که در آیه مربوطه به حیض (بقره، ۲۲۲) چگونه با توجه به تمام ابعاد قضیه جامع‌ترین، علمی‌ترین، بهداشتی‌ترین رهنمودها به مردم داده شده است و ضمناً بر همه رفتارها یا برخوردهای افراط و تفریطی که در اقوام و اعصار مختلف قبل از اسلام در این زمینه جاری بوده مهر باطل زده است. به نحوی که نه طرد زنان حائض و دوری مطلق از آنان را که در قوم یهود و برخی از اعراب زمان جاهلیت معمول بود جایز شمرده و نه بی‌توجهی مسیحیان را نسبت به این مسأله و آمیزش آنها با این زنان را مجاز دانسته است بلکه براساس یک منطق معتدل و معقول مسلمانان را در این مورد پاسخگو شده است به نحوی که اگر از دیدگاه علمی و اخلاقی مفاد این آیه را منصفانه بررسی کنیم آن را دستوری همه‌جانبه مناسب می‌یابیم که می‌تواند برای حفظ بهداشت و سلامت جسم و روان مرد و زن مؤثر و کارساز باشد.

۲. نهی اکید قرآن از فحشاء که شامل زنا و لواط می‌شود

اولین آیه‌ای که زنا را به‌طور مستقیم و از مقابل هدف قرار داده است آیه ۳۲ سوره اسراء می‌باشد که خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْرُبُوا الزَّوْجَةَ الَّتِي كَانَتْ فَاحِشَةً وَّ سَاءَ سَبِيلًا﴾ و به زنا نزدیک نشوید که آن ناشایسته و ناپسند است. در این آیه کوتاه می‌بینیم که خداوند حداقل به سه نکته انسان را رهنمون شده است؛ اول «وَلَا تَقْرُبُوا» یا نهی از نزدیک شدن به این عمل است چون زنا همیشه با مقدماتی شروع می‌شود و ابتدا تصور جاذبه‌های فریبنده آن در ذهن خطوط کرده به تدریج انسان را مایل به عمل و گرفتاری و آلودگی می‌کند. دوم تعبیر «فاحشه» که بیانگر عظمت و آشکاری این گناه است و سوم عبارت «و سَاءَ سَبِيلًا» نیز مبین آن است که این کار می‌تواند

عوارض زیان‌باری را به دنبال داشته و راه مفسد دیگری را هم برای انسان بگشاید.
(آیت‌الله مکارم شیرازی)

آیه‌ای دیگر که مسئله زنا را نه از روبرو بلکه از پشت‌نشانه رفته است و در آن زناکاران را از زمره بندگان خدا خارج کرده و درخور مجازات دانسته چنین می‌فرماید که: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا﴾ (فرقان، ۶۸) و کسانی در جنب خداوند خدای دیگری را نمی‌پرستند و هیچ کس را که خداوند (کشتنش) را حرام کرده جز به حق نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند و هر کس چنین کند (عقوبت) گناه خواهد دید. که چون در آیات قبل از این آیه از جمله صفات «عباد الرحمن» را پاکدامنی و... برده بوده لذا در این آیه با مشخص کردن آلودگی (زنا) دامن بندگان خدا را از لوث این گناه پاک می‌شمارد.

سومین آیه‌ای که در مورد برخورد با امر زنا و زناکاری نازل شد و مفسران نزول آن را روز فتح مکه نوشته‌اند آیه ۱۲ سوره ممتحنه می‌باشد که خداوند در این آیه خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبِيَعُكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ...﴾ ای پیامبر چون زنان مومن به نزد آمدند که با تو بیعت کنند آنهایی که برای خدا شریکی نیاورند و دزدی نکنند و فرزندانشان را نکشند و فرزندی را از راه بهتان به دست نیاورند که نسبت آن را به دست و پای خویش دهند و در کار خیری از تو نافرمانی نکنند پس با آنان بیعت کن و برایشان از خداوند آمرزش بخواه چرا که خداوند آمرزنده مهربان است. که در این آیه می‌بینیم زنا نکردن به‌عنوان یک پیمان اجتماعی از جمله شروط لازم برای بیعت شمرده شده است و نهی از زناکاری را از جنبه فردی فراتر برده و در حد یک تعهد اجتماعی قرار داده است.

بالاخره در آیه‌های ۲ و ۳ سوره نور برخورد جدی و قاطعانه با زناکاران را به صورت حکم مجازات عاملان آن صادر کرده و اجرای آن را به دور از هرگونه احساس و رأفتی لازم شمرده و به منظور عبرت مردم انجام حکم را در ملاء عام و در حضور جمعی از مؤمنان واجب کرده است: ﴿الرَّائِيَةُ وَالرَّائِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةً جَلْدًا وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشَهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ * الرَّائِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالرَّائِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ زن و مرد زناکار را به هر یک از آنان یکصد تازیانه بزنید و اگر به خداوند و روز بازپسین ایمان دارید در دین الهی در حق آنها دچار ترحم نشوید و گروهی از مؤمنان در صحنه عذاب کشیدن آنان حاضر باشند. مرد زناکار نباید جز با زن زناکار یا زن مشرک ازدواج کند و این کار بر مؤمنان حرام گردیده است. (الهی قمشه‌ای)

بدیهی است زشتی زنا نیاز به بحث و بیان ندارد چون از نظر اخلاقی حیثیت انسان را که مستلزم نظم و قانون‌مندی است دچار آسیب و زوال می‌کند و از نظر اجتماعی حرمت و قداست خانواده را می‌شکند و از نظر بهداشتی زمینه‌ساز ابتلاء و آلودگی به بیماری‌های آمیزشی خواهد شد که انواع سابقه‌دار و شایع آن سوزاک و سفلیس بوده و گونه‌های غیرشایع دیگری نیز گاه و بیگاه بر آن مزید می‌شود و اخیراً عارضه «ایدز»^۴ به عنوان پرمخاطره‌ترین آنها رخ نموده است. بیماری یا بلایی که گرچه کمتر از ربع قرن از بروزش نگذشته است ولی ارقام فزاینده موارد ابتلاء و گسترش روزافزون منطقه‌ای آن دلیلی است در بی‌ثمر بودن تلاش‌های همه‌جانبه طبی برای کنترل دامنه پیشرفتش چون این کوشش، تاکنون به جایی نرسیده و دانش طب نیز در برابر درمان مؤثر آن عاجز مانده است در حالی که می‌بینیم رهنمودهای قرآنی چگونه از طریق «بهداشت اولیه» بروز چنین عوارضی را پیشگیری کرده است.

این دستورات شامل مسائل زیر است:

الف) توجه و تأکید به وجوب حجاب برای زنان؛ که خداوند آن را در آیات مختلف یادآور شده است از جمله در سوره احزاب می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجَكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ...﴾ (احزاب، ۵۹) ای پیامبر به همسرانت، دخترانت و زنان بگو پوشش‌های خود را فروتر گیرند. یا ﴿وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُدْنِينَ زِينَتَهُنَّ...﴾ و زنان روسری‌هایشان را بر گریبان بیندازند و زینت خویش را آشکار نسازند (نور، ۳۱) و یا در آیه ﴿... وَلَا تَبْرُجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ﴾ (احزاب، ۳۳) می‌فرماید: و مانند زینت‌نمایی زمان جاهلیت پیشین زینت‌نمایی نکنند. در آیه ۳۲ این سوره (احزاب) نیز می‌فرماید: ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ﴾ پس در سخن نرمی نکنید. و در آیه ۳۱ سوره نور می‌فرماید: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ﴾ و به زنان مؤمنه بگو دیدگان‌شان را فرو گذارند به این ترتیب حجاب اسلامی زنان را باید لزوم رعایت در پوشش جسمانی ضابطه‌دار و کیفیت نگاه و رفتار آنان دانست به نحوی که ضمن پرورش حیای فطری آنها، تحریک غرایز مردان را نیز مانع شود.

ب) نهی مردان و زنان از نگاه غرض آلود و شهوانی به نامحرمان که در آیه ۲۹ و ۳۰ سوره نور به تفصیل به آن اشاره شده است. (آیت‌الله مکارم شیرازی)

ج) فراخوانی به امر ازدواج که در بعضی از آیات قرآن (۲۱ سوره روم و...) آمده است و باید براساس سنخیت در ایمان و اخلاق در آیات ۲۲۱ بقره و ۵ مائده و یا کفایت که امام صادق (ع) فرمود: ﴿المؤمنون بعضهم اكفاء بعض﴾ (روضه‌الیقین) صورت گیرد و نسبت به ضرورت آن نیز پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «در اسلام هیچ بنیانی نزد خدا محبوب‌تر از ازدواج نیست» (روضه‌الیقین) چون تشکیل خانواده بنای محبت و ایجاد نسل است و به قول حافظ: «خلل پذیر بود هر بنا که می‌بینی،

مگر بنای محبت که خالی از خلل است» و در تسهیل انجام آن نیز خداوند به مسلمانانی که تمکن مالی و معنوی دارند امر کرده است تا امکانات ازدواج زنان و مردان مجرد را فراهم کنند و خداوند تهی دستان آنان را با بخشش خود بی‌نیاز خواهد کرد و بالاخره به مسلمانانی هم که قادر به ازدواج نیستند توصیه به رعایت حفظ عفاف و پاکدامنی شده است تا این که خداوند با فضل خود برای آنها گشایشی و بی‌نیازی فراهم سازد: «و کسانی که امکانات زناشویی نمی‌یابند پاکدامنی ورزند تا این که خداوند از بخشش خود توانگرشان سازد». (نور، ۳۳)

اما زشت‌ترین نوع فحشاء یا همجنس‌بازی^۵ موضوعی است که امروزه یکی از عوارض زیان‌بارش به صورت بیماری «ایدز» بروز کرده هر چند این بیماری هم از راه تماس جنسی با زنان و هم مردان منتقل می‌شود ولی همجنس‌بازی هم یکی از راه‌های بروز این بیماری در اشخاص می‌باشد^۶ که به اثبات رسیده است و به عنوان مرضی مسری و تهدیدکننده سلامت مردم جهان، مورد توجه محافل بهداشتی قرار گرفته است در حالی که بیش از چهارده قرن پیش قرآن با برخورد بسیار تند و شیوه درمانی بنیادی‌اش سرنوشت قوم مبتلا با آن را برای عبرت آیندگان نقل کرده است. همان‌طور که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: و نیز لوط را فرستادیم که به قومش گفت آیا دیده و دانسته مرتکب عمل ناشایستی می‌شوید * آیا شما از روی شهوت با مردان به جای زنان می‌آمیزید آری شما قوم نادانید. (نمل، ۵۴ و ۵۵) سپس در آیه ۸۰ و ۸۱ سوره اعراف تقریباً همین معنا را به عنوان اندازی از لوط پیامبر بر قومش می‌بینیم که آنها را به علت خارج شدن از دایره فطرت انسانی و بدعت‌گذار عمل زشت همجنس‌گرایی به سختی نکوهش کرده و افرادی مسرف و منحرف خوانده است. همچنین آیاتی می‌بینیم که لوط پیامبر با ذکر یکی از اثرات زیان‌بار اجتماعی این عمل بی‌سابقه و ناشایست پیامد

ناهنجار آن را که گسستگی در جریان تولید نسل و پیوندهای طبیعی است برایشان بازگو کرده می‌فرماید: آیا شما با مردان می‌آمیزید و راه پیوند طبیعی را می‌برید و در محفلتان مرتکب زشت کاری می‌شوید (عنکبوت، ۲۸ و ۲۹) و باز هم در آیات ۱۶۵ و ۱۶۶ سوره شعراء می‌خوانیم که لوط پیامبر با انگیزش عواطف و بیدار کردن فطرت طبیعی قوم خود آنها را یادآوری می‌کند که: آیا از میان مردم جهان با مردان می‌آمیزید و همسرانتان را که پروردگار برای شما آفریده است رها می‌کنید، شما واقعاً قومی تجاوزکار هستید. و در آیه ۷۷ سوره هود برای نشان دادن شدت علاقه و دلبستگی آنان به عمل زشت خود به ذکر شمه‌ای از صحنه آمدن فرشتگان عذاب و کنش و واکنش‌های حضرت لوط با قوم تجاوزکارش پرداخته و رفتار آنان را بیشتر به نمود آورده است و آنان را مستوجب عذابی که در حد زشتی اعمالشان بوده دانسته است. عذابی که در آیات ۳۲ تا ۳۷ سوره ذاریات به آن اشاره شده است که چگونه بر سر هر مسرف همجنس‌بازی از قوم لوط سنگواره‌ای نشان‌دار فرود می‌آید و او را هلاک می‌کند و همین معنا به تفصیل بیشتر در آیات ۳۳ تا ۳۹ سوره قمر آمده است که: لوط قومش را از مجازات خداوند هشدار داده بود ولی آنها در برابر این هشدارها سرکشی کرده می‌خواستند از مهمانان او کام بگیرند لذا خداوند به غیر از خاندان لوط آنان را در معرض شنبادی تند قرار داد تا آنها را نابینا ساخته و بامدادی پگاه آنها را فرو گرفت باشد تا نتیجه هشدارها و عذاب الهی را بچشد ﴿وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَن ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِي﴾. (قمر، ۳۶ و ۳۷)

به این ترتیب می‌بینیم که آنچه را امروز پژوهش‌های جدید علمی به‌عنوان بروز عوارض مختلف بیماری‌های مقاربتی شناخته است و پیامدهای ناگوار روانی رفتاری و اجتماعی آن را همراه با آسیب زدن به قداست و حرمت کانون

خانوادگی نشان داده است و اخیراً به‌عنوان یکی از علل مهم بیماری «ایدز» و گسترش روزافزون میزان بروز دنیایی‌اش را نیز به نحو مستمند ثابت کرده است. خداوند ضمن آیاتی از سوره مؤمنون (آیات ۵ تا ۷) رهنمودهای تشریحی خود را متناسب با سرشت تکوینی انسان یادآوری فرموده است و به‌صورت «پیشگیری اولیه» راه درست برخورداری مردم را از مسائل جنسی برایشان نمایانده است. آنجا که ویژگی‌ها و صفات مؤمنان رستگار را ذکر می‌کند و می‌فرماید اینها کسانی هستند که پاکدامنی می‌ورزند مگر در مورد همسران خود یا ملک یمینشان که در این صورت نکوهیده نیستند پس هر کس که از این فراتر رود تجاوزکار است و در آیات ۲۹ تا ۳۱ سوره معراج همین معنا را از جمله ویژگی‌های افراد نمازگزار خوانده و مسلمانان را در راه تأمین بهداشت مسائل جنسی ارشاد کرده است و راه پیشگیری از عوارض پرمخاطره ارضای نامشروع این نیاز غریزی را به انسان نشان داده است. همان موضوعی که در «گزارش جهانی سلامت سال ۲۰۰۲»^۷ به‌عنوان عارضه روابط جنسی غیرایمن نامیده شده است و بعد از کم‌وزنی اطفال، در شمار دومین عامل از ده عامل عمده خطر یعنی آنچه که احتمال پیامد نامطلوب برای انسان دارد قرار گرفته است و بررسی‌های تحقیقی جدید نیز حدود ۹۹ درصد علت بروز بیماری‌های نقص ایمنی انسانی یا «ایدز» را به همین روابط جنسی غیرایمن مربوط دانسته است و هم اکنون بیش از ۴۰ میلیون فرد مبتلا به این عفونت در جهان گزارش شده و روند آن نیز به سرعت در حال افزایش است به‌نحوی که در سال ۲۰۰۱ حدود ۲/۹ میلیون مرگ در اثر روابط جنسی غیرایمن در تمام دنیا ثبت شده است.^۸ چون اکثر افرادی که به ویروس «ایدز» گرفتارند تا مدت‌ها از ابتلاء خود به این عفونت آگاه نبوده و در نتیجه از طریق روابط جنسی ناایمن به

گسترش انتقال بیماری کمک می‌کنند. همان‌طور که رقم آن را فعلاً تا ۹۴ درصد در آمریکای مرکزی معمول روابط جنسی نامشروع گزارش کرده‌اند.^۹

نتیجه

با بررسی و تفکر در مورد تمام مباحث ذکر شده این نکته کاملاً ملموس خواهد بود که قرآن کریم علاوه بر بعد الهی بودنش کتابی است کاملاً علمی که در گوشه گوشه آن می‌توان عظمت خالق هستی را مشاهده کرد، کتابی مقدس که با ذکر تمام ابعاد زندگی انسان، جاده سعادت حقیقی را به او نشان می‌دهد. این تحقیق با بررسی بهداشت زناشویی و مسائل جنسی در دو بعد قرآنی - پزشکی، آن هم با بهره‌گیری از قصص قرآنی و سوره‌هایی چون نور، احزاب، عنکبوت، نساء و... و با استفاده از علوم پزشکی روز و با استفاده از کتب لاتین و داخلی مرتبط سعی نمود تا تأکیدات قرآن کریم و اثبات حقانیت آن را پیرامون یکی از مهم‌ترین مسائل زندگی بشر نشان دهد؛ چرا که تمامی کشفیات حال حاضر بشر پیرامون مسئله زناشویی و هزاران مسئله دیگر، در هزار و چهارصدسال پیش نازل گردید و تا به حال باقی مانده است. نتیجه علمی و کلی این تحقیق چنین است:

- مقاربت با زنان در دوران قاعدگی، با استناد به آیات شریفه قرآن کریم و بررسی‌های علوم پزشکی و روان‌شناختی که تماماً در این مقاله بررسی شد و به علت به همراه داشتن مسائل و مشکلات جسمی و روحی متعدد، کاملاً نهي می‌شود.

- مسئله همجنس‌بازی نیز براساس مخالفت دین اسلام و همچنین آمارها و گزارش‌های علمی معتبر همچون گزارش‌های سازمان ملل^۱ پیرامون مشکل‌ها و بیماری‌های روانی و جسمی، و همچنین با تکیه بر دانش پزشکی و روان‌شناختی، کاملاً امری ناپسند و نادرست می‌باشد.

در پایان می‌توان چنین بیان کرد که علمی بودن اعجاز قرآن کریم نیز به تنهایی محکم‌ترین دلیل بر کامل و جامع بودن دین مبین اسلام و حقانیت پیامبر اعظم (ص) می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

- 1- Feedback
2- Ovaries

۳- در این قسمت آموزش‌های بیشتری باید به زوجین، بویژه مردان داده شود.

- 4- HIV: Human Immunodeficiency Virus

- 5- Homogeneous

ع- فرد آلوده به ویروس ایدز، چه مرد و چه زن به طرق مختلف می‌تواند فرد دیگری را آلوده کند، بیماری مذکور از راه خون، تماس جنسی، جفت (مادر) قابل انتقال است. بنابراین ممکن است از راه وسایل آلوده دندانپزشکی، تزریق، خون آلوده نیز منتقل گردد.

- 7- UN Reports, Aids, 2002 AD

- 8- National Association of People with AIDS (NAPA), Archives 2001

- 9- Uniting the world against AIDS, PDF, www.unaids.org

- 10- Uniting the world against AIDS & UN Reports, Aids 2000-2007

فهرست منابع

قرآن کریم.

مدیر شانه چی، کاظم. (۱۳۸۲). آیات الاحکام، تهران: نشر سمت.

مشکینی، آیت الله علی. (۱۳۵۹). ازدواج در اسلام، قم.

علامه طباطبایی. (۱۳۷۵). تفسیر المیزان، نشر معارف، قم.

غلامعلی، حداد عادل. (۱۳۸۴). درس‌هایی از قرآن، نشر فرهنگ اسلامی، تهران.

شرفاوی، حسین. (۱۳۷۱). ترجمه و نگارش: دکتر سید محمد باقر حجتی، گامی فراسوی روانشناسی اسلامی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.

شیخ الرئیس ابوعلی سینا. (۱۳۶۴). ترجمه عبدالرحمان شرفکندی، قانون در طب، تهران: نشر سروش

شریعتمداری، علی. (۱۳۷۳). جامعه و تعلیم و تربیت، تهران: نشر امیرکبیر،

دکتر اصفهانی. (۱۳۸۲). اعجاز علمی قرآن ۱، قم: نشر معارف.

آیت الله مکارم شیرازی. (۱۳۸۳). تفسیر نمونه، قم: نشر دفتر تبلیغات حوزه علمیه.

Nouri, Health in the Quran, Vaghefi Publication, 1995 .

Book of Health Education Publication 1998.

Bellanti, J.A GMI Immunology Saunders, 1985.

Baker, Sex hormone, Fertile, Sterile. 1981.

Bjornthrop, Hormonal System, Metabolism, 1977.

J.T Barret, Text books in Immunology, 1992.

Jurkowski, Ovarian Hormone, Appl. Physiology. 1978.

Naveri, Metabolic and Hormonal Changes, Int. Med, 1985.

Rebecca A. Clark, A Woman's Guide to Living with HIV Infection, A Johns Hopkins Press Health Book, 2007.

یادداشت شناسه مؤلف

مجید دانشگر؛ کارشناس و پژوهشگر هیات و علوم قرآنی

نشانی الکترونیکی: elm@sbmu.ac.ir

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۸۷/۷/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۸/۹